

برای تحقق جمهوریت می توان ساز و کاری در نظر گرفت که هم حق اعتراض و هم حق انتخاب محفوظ بماند و هم جمهوریت به تحقق بیشتر خود نزدیک شود. یکی از این ساز و کارها حلقه های میانی و سندیکاها هستند.

سندیکاها یک تشکیلات خودگردان از افراد، بنگاه های اقتصادی، شرکت ها یا افراد حقوقی هستند که برای حفظ و ارتقای منافعی که در آن شریک هستند شکل گرفته اند. به عبارتی بزرگترین شبکه ارتباطات مردمی را مجموعه اصناف تشکیل می دهند. در قانون، اصلی وجود دارد که به اصل قسط معروف است، اصل ۱۰۴ قانون اساسی به این مسأله می پردازد که به منظور تأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامه ها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی، شوراهایی مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند این ها شوراهایی مرکب از نمایندگان اعضای این واحدها تشکیل می شود. براساس این اصل و برای تحقق آن برای مثال در هر واحد کارگری متوسط به بالا باید این شورای کارگری شکل بگیرد و از طرفی اصل قسط و عدالت اجتماعی، که همان اصل ۲۶ است، نقش آفرینی این واحدها را در سرنوشت اقتصادی و اجتماعی خودشان تعیین می کند.

اما آنچه ما در عمل شاهد آن هستیم فعال نبودن چنین شوراهایی است. براساس آمار رسمی سازمان تأمین اجتماعی که منتشرشده است، در کشور یک میلیون و ۳۰۰ هزار کارگاه داریم که ۳۰۰ هزار از آن کارگاه های متوسط و بزرگ هستند که در این ۳۰۰ هزار ما فقط ۹ هزار شورای کارگری داریم، یعنی سه درصد. در این مثال خاص، فقط سه درصد سهم جمهوریت است که بالطبع عدالت اقتصادی هم در این واحدها آسیب می بیند.

۳ درصد از جمهوریت، آمار بسیار کمی است! همانطور که در اول گزارش گفته شد مسیر دولت برای تحقق جمهوریت مسیر دشواری است چرا که دولت های قبل نه تنها از این ظرفیت استفاده ای نکرده اند بلکه گاهی در تضعیف آن هم قدم برداشته اند. اساساً جایگاه ها و نقش های تأثیرگذار همانقدر که می توانند باعث تکامل شوند باعث تضعیف نیز می شوند. سندیکاها نیز از این مسأله مستثنی نیستند، این حلقه های میانی که حد واسط میان حاکمیت و دولت هستند، نقش مهمی در احقاق حقوق اعضای صنف و حرکت به سوی تحقق عدالت شغلی اعضایشان ایفا می کنند. در همین تاریخ چهل ساله بعد انقلاب بارها این مجموعه ها بازپچه مقاصد دول متخاصم غربی شده اند، برای مثال می توان به ماجرای شبه

دولت سیزدهم با باور به این که استفاده از نظرات نخبگان عرصه های مختلف به عنوان صاحبان دانش، تجربه و توانایی، زمینه ساز تصمیم سازی و تصمیم گیری های صحیح، اثرگذار و ماندگار خواهد بود. از این رو در این یک سال و اندی که از روی کار آمدن این دولت می گذرد، میزان توجه و برگزاری جلسات صمیمانه با تشکل ها و سندیکاهای مختلف قابل تحسین است. از تشکل های دانشجویی گرفته تا سندیکاهای صنفی... این بار این حلقه های میانی، فضایی را در پیش روی خود می بینند برای شنیده شدن، صحبت کردن و حتی انتقاد کردن. درست است که صرف برگزاری چنین جلساتی کافی نخواهد بود اما می تواند افق گشا باشد هم برای دولتمردان و هم برای این تشکل ها چرا که از طرفی اصناف با گفت و گوی مستقیم از چالش و پیچیدگی حکمرانی آگاه خواهند شد و از طرفی سیاستمداران نیز از مسائل مردم به صورت ملموس آگاه خواهند شد

تشکل موسوم به شورای هماهنگی تشکل های صنفی فرهنگیان ایران اشاره کرد که به لحاظ هویتی، تداوم همان کانون صنفی معلمان است. به رغم مدعای اصلی گردانندگان آنان که احقاق حقوق صنفی معلمان است، اصلی ترین رویکرد آنان تبدیل فضای معیشتی و صنفی برآمده از مطالبات فرهنگیان به فضای سیاسی و امنیتی است.

اما آنچه مهم است نوع مواجهه دول قبلی با این تشکل ها است چرا که اگر مواجهه صحیحی بود درصد قابل توجهی از مشکلات و نارضایتی های حال حاضر وجود نداشت. کارگران و دیگر اصناف می توانستند مطالبات خود را از مسیر حق طلبی پی بگیرند. حسین کمالی دبیر وقت کل حزب اسلامی کار در سال ۹۷ و در دوره دولت حسن روحانی در گفت و گو با ایلنا مواجهه دولت ها بعد از انقلاب تا دولت دوازدهم را این طور ترسیم می کند:

«در رابطه با مسائل مربوط به کار و کارگری نیز داستان از این قرار است که با توجه به نقش سندیکاها و رابطه

آنها با حکومت سابق و نقش آفرینی که در آن مقطع داشتند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تصمیم بر این شد که براساس آداب و رسوم و فرهنگ اسلامی به سمت شوراهای اسلامی گام برداشته شود. بدین ترتیب شوراهای اسلامی در قانون اساسی تعریف و تعبیه شد تا در بخش های مختلف همچون محیط های کارگری و کارمندی، کشاورزی، مدیران و... به مرحله اجرا گذاشته شود. هدف به جریان درآوردن شور و مشورت مورد توجه قرآن کریم بود اما همین شوراهای در مرحله اجرا از کارایی افتادند و از اهداف اولیه فاصله گرفتند. در حقیقت این شور و مشورت ها به صورتی درآمد که انگار بود و نبود آنها خیلی فرقی نمی کرد.» همچنین طبق آمار اعلام شده توسط علی فاضلی، رئیس ائتلاف اقتصادی بنگاه های کوچک و متوسط انقلاب اسلامی، در ابتدای شروع به کار کردن دولت سیزدهم، سهم مجموعه اصناف ایران را تولید ناخالصی ۱۸ درصد می دانند و آن را در مقایسه با بنگاه های کوچک و متوسط در اقتصاد دو غول بزرگ اقتصادی دنیا یعنی امریکا و چین حدود ۵۴ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می دهند ناچیز می دانند. بنابراین علاوه بر بی توجهی به این ظرفیت توسط دولت های قبلی، این بستری که می تواند باعث تحقق بیشتر جمهوریت شود توسط افراد ضد نظام مصادره شده و عملاً آن را تبدیل به نقطه ای بحران را برای حاکمیت کرده اند.

#### دولت سیزدهم و اصناف

دولت سید ابراهیم رئیسی که از همان اول با شعار دولت مردمی به روی کار آمد، در ادامه کار نیز به مردم و لایه های مختلف اجتماع توجه نشان داد. دولت سیزدهم با باور به این که استفاده از نظرات نخبگان عرصه های مختلف به عنوان صاحبان دانش، تجربه و توانایی، زمینه ساز تصمیم سازی و تصمیم گیری های صحیح، اثرگذار و ماندگار خواهد بود. از این رو در این یک سال و اندی که از روی کار آمدن این دولت می گذرد، میزان توجه و برگزاری جلسات صمیمانه با تشکل ها و سندیکاهای مختلف قابل تحسین است. از تشکل های دانشجویی گرفته تا سندیکاهای صنفی... این بار این حلقه های میانی، فضایی را در پیش روی خود می بینند برای شنیده شدن، صحبت کردن و حتی انتقاد کردن. درست است که صرف برگزاری چنین جلساتی کافی نخواهد بود اما می تواند افق گشا باشد هم برای دولتمردان و هم برای این تشکل ها، چرا که از طرفی اصناف با گفت و گوی مستقیم از چالش و پیچیدگی حکمرانی آگاه خواهند شد و از طرفی سیاستمداران نیز از مسائل مردم به صورت ملموس آگاه خواهند

ویژه نامه

سالگرد سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری خرداد ۱۴۰۱

۱۳

ایران